

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده حکمت معاصر

گروه فلسفه دین

رساله دکتری رشته فلسفه دین

توجیه مبتنی بر گواهی باورهای دینی

استاد راهنما:

دکتر رضا اکبری

استادان مشاور:

دکتر عبدالرسول کشفی

دکتر رسول رسولی پور

پژوهشگر:

علیرضا دُرّی نوگورانی

مهر ماه ۱۳۹۷

برگه ارزیابی

سپاسگزاری

اگر واقعاً بخواهم حق مطلب را در این بخش ادا کنم، نام کسان زیادی را باید در اینجا بیاورم. اما مجالم کوتاه است. در آغاز لازم می‌دانم از استاد راهنمایم، جناب آقای دکتر اکبری بابت راهنمایی‌های ارزشمندی که همواره مرا از آن‌ها بهره‌مند کرده‌اند تشکر کنم. از فرصت‌هایی که علیرغم مشغله‌های فراوان‌شان برای گفتگو با من گذاشتند بسیار سپاس گزارم. از برخوردهای اخلاقی ایشان در تعامل با همکاران و دانشجویان نکات ارزشمندی آموختم که امیدوارم آن‌ها را در زندگی علمی‌ام عملی کنم. در این مسیر جناب آقای دکتر کشفی و جناب آقای دکتر رسولی پور به عنوان اساتید مشاور نکات ارزشمندی را بیان فرمودند که از آن‌ها سپاس گزارم. از جناب آقای دکتر رسولی پور بابت تشویق‌ها و حمایت‌هایشان سپاس مضاعف دارم. از داوران محترم نیز بابت نکات ارزشمندی که مطرح کردند بسیار قدردانم. از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز بابت فراهم کردن بستر انجام این پژوهش سپاس‌گزار می‌کنم. ابزارهای جدید پژوهش، مانند نرم افزار زوترو، به عنوان نرم‌افزاری توانا در حوزه سازمان‌دهی و استناددهی منابع پژوهشی، پژوهش مرا بسیار آسان‌تر و بهینه‌تر کردند. از برادرم در این مورد بسیار آموختم. از او که همواره، و نه تنها در دوره دکتری، باحوصله فراوان مرا از راهنمایی‌هایش بهره‌مند کرده است، بسیار سپاس‌گزارم. از پدر و مادرم به واسطه تمام حمایت‌های مادی و معنوی بی‌دریغ و مشفقانه‌شان، از همه همفکری‌های مفیدشان بسیار سپاس‌گزارم هر چند نیک می‌دانم که هرگز نمی‌توانم آنچه آنها در حق من کرده‌اند جبران کنم. از پدر و مادر همسرم نیز بابت الطاف بی‌دریغ‌شان سپاس فراوان دارم و اما در پایان از همسرم بابت تمام صبوری‌ها، راهنمایی‌ها و تشویق‌هایش در روزهای تلخ و شیرین، بی‌حساب قدردانم.

تقدیم به زنی همیشه همراه و همفکر، همسر ...

چکیده

این رساله به مسئله توجیه باورهای دینی بر پایه گواهی می‌پردازد. به این منظور، مسئله گواهی در فضای معرفت‌شناسی بر پایه دیدگاه‌های الیزابت فریکر و جنیفر لکی بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که باور موجهی (به معنایی مرکب از درون‌گرایی و برون‌گرایی) که مبتنی بر گواهی است نیازمند وثاقت گواهی، وثاقت شنونده، مناسب بودن محیط دریافت گواهی و دلیلی مثبت به نفع وثاقت گواهی است. تعدد و تنوع گواهی‌دهندگان درباره وجود خداوند به عنوان محوری‌ترین باور دینی و اختلاف نظر میان آن‌ها نشان می‌دهد که برای تعیین وضعیت معرفتی باور مبتنی بر گواهی به وجود خداوند نمی‌توان به بحث‌های گواهی فردی اکتفا کرد. در نتیجه، در این پژوهش از معرفت‌شناسی گواهی جمعی (مخصوصاً بحث رویه انباشت) نیز بهره برده شده است. بر این اساس، برای کسب باوری موجه درباره وجود خداوند از طریق گواهی باید شروط پیش گفته در مورد برآیند قرائن، مبانی و استدلال‌های جمع متخصصان مرتبط با موضوع وجود خداوند تامین شود. پیمودن این فرآیند با جزئیاتی که در این پژوهش بیان شده است برای غیرمتخصصان غیرعملی است و برای متخصصان به عنوان دریافت‌کنندگان گواهی بی‌وجه است؛ مگر اینکه آنها فرآیند مذکور را در مورد گواهی پیامبران یا صاحبان تجارب دینی بکار گیرند که در این صورت باید توضیح موجهی برای مشکلات معرفتی مربوط به گواهی پیامبر مانند ارتباط معجزه و صدق منطقی گفتار پیامبر یا مشکلات معرفتی مربوط به گواهی صاحبان تجارب دینی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: معرفت‌شناسی گواهی، دلیل نقلی، جنیفر لکی، الیزابت فریکر، گواهی فردی، گواهی جمعی، توجیه باور

دینی، گواهی وجود خداوند

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مقدمه	۱
1.1 بیان مسئله	۱
۱,۲ سوالات پژوهش	۲
1.3 فرضیه پژوهش	۲
۱,۴ پیشینه پژوهش	۳
۱,۵ جدید بودن و نوآوری پژوهش	۴
۱,۶ هدف پژوهش	۴
۱,۷ ضرورت پژوهش	۵
۱,۸ قلمرو پژوهش	۵
۱,۹ معرفی الیزابت فریکر	۷
۱,۱۰ معرفی جنیفر لکی	۸
۱,۱۱ روش پژوهش	۱۰
۱,۱۲ منطق حاکم بر فصل بندی	۱۰
۱,۱۳ اصطلاحات مهم پژوهش	۱۱
۱,۱۴ پیشینه مسئله	۲۰
2 فصل دوم: کاربرد گواهی در توجیه معرفت شناختی از نظر فریکر	۲۳
۲,۱ چارچوب معرفت شناختی بحث فریکر در باب گواهی	۲۵
۲,۱,۱ جهان بینی مبتنی بر عقل سلیم	۲۶
۲,۱,۲ توجیه گرایی	۲۷
۲,۱,۳ انسجام گرایی	۳۰
۲,۲ سرشت گواهی	۳۲

۳۲.....	۲,۲,۱ نمونه‌الگوی گواهی
۳۶.....	۲,۲,۲ سایر مصادیق گواهی و نسبت آنها با نمونه‌الگوی گواهی
۳۷.....	۲,۳ شروط کسب باور موجه از طریق گواهی
۴۲.....	2.4 توضیح شروط کسب باور موجه از طریق گواهی
۴۸.....	۲,۵ استدلال بر موجه بودن باورهای مبتنی بر گواهی
۵۱.....	۲,۶ ارزیابی انتقادی نظریه فریکر
۵۲.....	۲,۶,۱ مشکلات مربوط به سرشت گواهی
۵۲.....	۲,۶,۲ مشکلات مربوط به تحلیل و بهره‌گیری فریکر از نظریه عقل سلیم
۵۳.....	۲,۶,۳ عدم کفایت نگاه درون‌گرایانه به توجیه در مسأله گواهی
۵۷.....	۲,۶,۴ عدم کفایت انسجام‌گرایی
۵۸.....	۲,۷ کاربرست نظریه فریکر در گواهی وجود خداوند
۵۹.....	۲,۷,۱ ضرورت فهم متقابل در گواهی وجود خداوند
۶۰.....	۲,۷,۲ ضرورت صلاحیت و برتری معرفتی گواهی‌دهنده بر وجود خداوند
۶۳.....	۲,۷,۳ ضرورت علم شنونده به صداقت و صلاحیت گواهی‌دهنده بر وجود خداوند
۶۵.....	۲,۷,۴ تنوع فرآیند تبعیت از گواهی وجود خداوند
۶۵.....	۲,۸ رویکرد انتقادی به کاربرست نظریه فریکر در گواهی وجود خداوند
۶۷.....	۳ فصل سوم: کاربرد گواهی در توجیه معرفت‌شناختی از نظر لکی
۶۷.....	۳,۱ چارچوب معرفت‌شناختی جنیفر لکی در بحث گواهی: درون - برون‌گرایی در مسأله توجیه
۶۹.....	۳,۱,۱ عقلانیت به مثابه مؤلفه درون‌گرایانه
۷۱.....	۳,۱,۲ وثاقت به مثابه مؤلفه برون‌گرایانه
۷۳.....	۳,۲ سرشت گواهی
۷۴.....	۳,۲,۱ تعریف گواهی و مؤلفه‌های آن

- ۳,۲,۱,۱ کنش گفتگویی ۷۵
- ۳,۲,۱,۲ محتوای قابل گفتگو ۷۶
- ۳,۲,۱,۳ انتقال اطلاعات ۷۷
- ۳,۲,۱,۴ نوع انفصال ۸۵
- ۳,۲,۱,۵ قصد گوینده یا نگاه غیرقرینه‌ای شنونده: شروط اعتبار گواهی یا شروط تحقق آن ۸۷
- ۳,۲,۲ رد رویکرد باورمحور به گواهی ۸۹
- ۳,۲,۲,۱ عدم کفایت باورمحوری ۹۰
- ۳,۲,۲,۲ عدم لزوم باورمحوری ۹۳
- ۳,۲,۳ پذیرش رویکرد جمله‌محور به گواهی ۹۹
- ۳,۲,۴ نتایج رد نظریه باورمحوری به نفع جمله‌محوری ۱۰۲
- ۳,۳ شروط کسب معرفت از طریق گواهی ۱۰۳
- ۳,۳,۱ شروط لازم و نه کافی ۱۰۵
- 3.3.2 لزوم باور به گزاره «ز» بر اساس محتوای گواهی ۱۰۵
- 3.3.3 لزوم وثاقت گواهی گوینده ۱۰۵
- 3.3.4 لزوم وثاقت دریافت‌کننده گواهی ۱۰۷
- ۳,۳,۵ لزوم مناسب بودن محیط برای دریافت گواهی قابل وثوق ۱۰۹
- 3.3.6 لزوم عدم آگاهی دریافت‌کننده گواهی از مبطل ابطال نشده ۱۱۰
- ۳,۳,۷ لزوم داشتن دلیل مثبت مناسب از سوی دریافت‌کننده گواهی برای پذیرش گواهی ۱۱۲
- ۳,۳,۸ اشکالات مربوط به تأمین شرط ششم و پاسخ لکی ۱۲۱
- 3.4 ارزیابی انتقادی نظریه لکی ۱۲۷
- ۳,۴,۱ مشکلات مربوط به دیدگاه لکی در باب سرشت گواهی ۱۲۷
- ۳,۴,۱,۱ عدم انفصال حقیقی در تعریف گواهی و قصد گوینده ۱۲۷

- ۳,۴,۱,۲ ناکارآمدی انتقاد لکی به انتقال ویژگی‌های معرفتی ۱۲۸
- ۳,۴,۲ استنباط ناروا از مثال‌های ارائه‌شده در لزوم وثاقت گواهی ۱۳۳
- ۳,۴,۲,۱ استنباط ناروا از مثال معلم خلقت گرا و پدیده اخبار بدون باور ۱۳۴
- 3.4.2.2 استنباط ناروا از مثال‌های باورمند سرسخت، دانشجوی جدی، باورمند جزمی ۱۴۵
- ۳,۴,۲,۳ استنباط ناروا از مثال دروغ‌گوی منسجم ۱۴۷
- ۳,۵ کاربست نظریه لکی در گواهی وجود خداوند ۱۴۸
- ۳,۵,۱ امکان قضاوت عنی در خصوص شرایط گواهی ۱۴۸
- ۳,۵,۲ شانس نبودن استفاده از فرآیند قابل وثوق ۱۴۹
- ۳,۵,۳ ضرورت توجه به مبطل‌ها در گواهی با رویکرد مرجعیت معرفتی ۱۵۲
- ۳,۵,۴ عدم کفایت گواهی فردی در مسئله گواهی وجود خداوند ۱۵۴
- ۳,۵,۵ گواهی جمعی وجود خداوند ۱۵۴
- ۳,۶ رویکرد انتقادی به کاربست نظریه لکی در گواهی وجود خداوند ۱۵۷
- ۴ فصل چهارم: بازسازی نظریه‌ای در مورد گواهی وجود خداوند ۱۵۹
- ۴,۱ مولفه‌های مورد نیاز در کاربست گواهی فردی در مسأله وجود خداوند ۱۶۰
- ۴,۱,۱ دلیل مثبت به نفع وثاقت گواهی، فقدان مبطل و وثاقت گواهی ۱۶۱
- ۴,۱,۲ محیط مناسب ۱۶۶
- ۴,۲ مولفه‌های مورد نیاز در کاربست گواهی جمعی در مسأله وجود خداوند ۱۶۸
- ۴,۲,۱ کدام گواهی‌دهندگان ۱۶۹
- ۴,۲,۲ کدام رویه انباشت ۱۷۳
- ۴,۲,۳ کدام گروه/ها ۱۷۶
- ۴,۳ ملاحظه عملی در کاربست گواهی جمعی وجود خداوند ۱۷۹
- نتیجه‌گیری ۱۸۲

فصل اول: کلیات و مقدمه

۱,۱ بیان مسئله

بسیاری از باورهای ما مبتنی بر گواهی دیگران است. اینکه در بدن انسان، سیستم گردش خون وجود دارد؛ بسیاری از سازوکارهای اعلام شده درباره نحوه کارکرد مغز، بینایی و ...؛ اینکه تاریخ تولد هر فردی چه زمانی است؛ اینکه کشور استرالیا در نیم کره جنوبی قرار دارد؛ اینکه مغول به ایران حمله کردند و خساراتی را به بار آوردند؛ اینکه زمین به دور خود گردش می کند؛ اینکه فیزیک کوانتوم نسبت به فیزیک نیوتنی، تبیین بهتری از پدیده های فیزیکی ارائه می دهد؛ بسیاری از نتایج اعلام شده آزمایشات روانشناختی، فیزیکی، و شیمیایی که نظریات حوزه هایی از علوم بر اساس آنها پذیرفته می شود و بسیاری از آموزه هایی که دانش آموزان در مدرسه می آموزند، همگی مبتنی بر گواهی هستند. با بی اعتبار دانستن این دسته از باورها دچار شکاکیت گسترده ای می شویم. در صورت کنار گذاشتن گواهی، در علوم میان رشته ای، فرد باید از علوم مرتبط آگاه باشد و تمام باورهای مستخرج از هر کدام را خود مستقلاً بدست آورده باشد. اکنون می توان پرسید با فرض اینکه گاهی، افراد جملات غلطی را اظهار می کنند و صادق نیستند، در چه شرایطی، اگر چنین شرایطی وجود داشته باشد، کسب باورهای مبتنی بر گواهی موجه است.

از طرف دیگر، با مروری بر ادیان ابراهیمی، در می یابیم که بسیاری از باورهای پیروان این ادیان، از طریق گواهی به دست آمده است. در میان بحث های فراوانی که در باب توجیه باورهای مبتنی بر گواهی به طور عمومی صورت گرفته است، به کاربرست نتایج این بحث ها در توجیه باورهای دینی توجه چندانی نشده است. در مواردی، نهایتاً به این اصل توسل شده است که «رجوع عالم به جاهل، عقلانی است» یا با توجه به تکرر گواهی (متواترات)، احتمال خطا نفی شده است و بر اساس آن، برخی انواع باورهای مبتنی بر گواهی توجیه پذیر شده اند؛ اما برای پاسخ معرفت شناسانه به سوال از «چگونگی توجیه مبتنی بر گواهی باورهای دینی»، لازم است مسئله بنیادی تر بررسی شود. در این مورد، تحقیقات معرفت شناسان عام (معرفت شناسانی که نظریات خود را محدود به باورهای خاصی مانند باورهای دینی نمی کنند) پیش روست. به منظور بررسی ژرف تر، تمرکز در این پژوهش، بر محوری ترین باور

ادیان ابراهیمی - یعنی باور به وجود خدایی متشخص - است؛ اما آیا از نظریه‌ای که برای توجیه باورهای عادی مبتنی بر گواهی استفاده می‌شود، می‌توان در توجیه باور مبتنی بر گواهی به وجود خداوند نیز بهره جست؟ آیا تفاوتی بین باورهای عادی و باور به وجود خداوند در توجیه از طریق گواهی وجود دارد یا خیر؟ چگونه می‌توان نظریه‌ای پیشنهاد کرد که از یک سو، منجر به سهل‌انگاری در پذیرش باور به وجود خداوند نشود و از سوی دیگر، آنقدر سخت گیرانه نباشد که گواهی هیچ گواهی‌دهنده‌ای درباره وجود خداوند، موجه شمرده نشود هر نظریه‌ای در باب این گواهی که خداوند وجود دارد، بر این گواهی نیز که خداوند وجود ندارد تاثیر می‌گذارد. توضیح آنکه اگر به نحو سهل گیرانه‌ای گواهی یک متخصص متأله می‌تواند مبنای موجهی برای باور به وجود خداوند قرار گیرد، گواهی متخصصی ملحد نیز می‌تواند به نحو سهل گیرانه مبنایی برای باور موجه به عدم وجود خداوند قرار گیرد.

۱,۲ سوالات پژوهش

با توجه به کمبود ادبیات فلسفی عمیق در زمینه توجیه معرفت‌شناختی گواهی در زبان فارسی لازم است، نخست به مسئله گواهی در فضای معرفت‌شناسی معاصر توجه کنیم و سپس با استفاده از یافته‌های تحقیق، توجیه باورهای دینی مبتنی بر گواهی به ویژه باور به وجود خداوند به عنوان محوری‌ترین باور دینی را بررسی کنیم. بر این اساس، سوالات این تحقیق عبارتند از:

۱. در معرفت‌شناسی معاصر گواهی موجه واجد چه مولفه‌هایی است؟
۲. موجه‌سازی باور به وجود خداوند بر پایه گواهی چه فرآیندی دارد؟ (سوال اصلی)

۱,۳ فرضیه پژوهش

۱. نگاه تحلیلی به ادبیات معاصر در مسئله توجیه مبتنی بر گواهی نشان می‌دهد که مولفه‌های گواهی موجه در دو رویکرد درون‌گرایانه و برون‌گرایانه مواردی همچون صداقت و صلاحیت گوینده، وثاقت گواهی، وثاقت شنونده، مناسب بودن محیط دریافت گواهی و داشتن دلیل مثبت به نفع وثاقت گواهی را شامل می‌شود.
۲. کاربست مباحث مطرح در مسئله گواهی موجه در خصوص باور به وجود خداوند نشان می‌دهد که علاوه بر گواهی فردی نیازمند روندی ناظر به گواهی جمعی متخصصان وجود خداوند هستیم؛ به این صورت که قرائن، مبانی و استدلال‌های آنها درباره وجود خداوند در نظر گرفته شود و بر اساس

برآیند آن‌ها مشخص شود که این جمع چه گزاره‌ای را درباره وجود خداوند گواهی می‌دهند؛ سپس، شرایطی که در توجیه گواهی فردی بیان شد در مورد این گزاره صادق باشد.

۱,۴ پیشینه پژوهش

در چند سال اخیر، پژوهش‌های انگشت‌شماری در ایران مانند (عبداله محمدی و کرد فیروز جایی، ۱۳۹۱) یا (محمدی ب، ۱۳۹۲) به صورت تألیفی به مسئله معرفت‌شناسی گواهی پرداخته‌اند. از این میان جدی‌ترین پژوهش رساله‌ای است با عنوان «ارزش معرفت‌شناختی دلیل نقلی» (عبدالله محمدی؛ دانشگاه باقرالعلوم) (محمدی الف، ۱۳۹۲) که اکنون به صورت کتابی با همین عنوان از سوی موسسه انتشارات امام خمینی منتشر شده است (محمدی، ۱۳۹۵)، ارزش معرفت‌شناختی باورهای مبتنی بر گواهی را بررسی کرده است؛ این رساله بخشی را به بحث توجیه باورهای مبتنی بر گواهی و بخشی را به بیان دیدگاه‌های مختلف درباره تحویل‌گرایی و غیرتحویل‌گرایی اختصاص داده است. با وجود نقاط قوتی که در این رساله وجود دارد، برخی تفاوت‌های موضوعی و نواقص در آن مشاهده می‌شود که ضرورت انجام پژوهش حاضر همچنان به قوت خود باقی است. چند نکته در این باب قابل ذکر است: اول اینکه تمرکز اصلی رساله یاد شده بر ارزش معرفت‌شناختی باورهای مبتنی بر گواهی است. در صورتی که سوال اصلی رساله حاضر از توجیه مبتنی بر گواهی باورهای دینی با تمرکز بر باور به وجود خداوند است. دوم اینکه رساله یاد شده، موضوع خود را محدود به شخص خاصی نکرده است و موضوعات متعددی از حوزه معرفت‌شناسی گواهی در آن طرح شده است. همین مسئله، عمق این پژوهش را کاسته است؛ به صورتی که بخشهایی از آن شبیه گزارش مختصری از دیدگاه‌ها شده است. در صورتی که در بخش ابتدایی پژوهش حاضر که معرفت‌شناسی عام است، آراء فریکر و لکی به نحو مبسوط طرح و بررسی می‌شود.

سوم اینکه در رساله یاد شده، استفاده‌های زیادی از بحث‌های اصول فقه در کنار بحث‌های معرفت‌شناسی گواهی شده است که در فضای معرفت‌شناسی معاصر غربی در جریان است. به نظر می‌رسد، برای پرهیز از اختلاط مباحث (اصول فقه و معرفت‌شناسی معاصر) با مبانی متفاوت، در ابتدای پژوهش، دست کم باید بحثی به روایی به کارگیری برخی مباحث اصولی مرتبط در مباحث معرفت‌شناختی اختصاص داده می‌شد. در نهایت باید گفت درست است که در بخشهایی از رساله یاد شده، به صورت گذرا، به نتایج بحث در توجیه باورهای نقلی در حوزه دین اشاره شده است، اما ظرایفی در بحث کاربرد توجیه باورهای مبتنی بر گواهی در توجیه باورهای دینی به طور کلی و باور به وجود خداوند به طور خاص قابل طرح است که به آنها اشاره‌ای نشده است.

پایان نامه کارشناسی ارشدی تحت عنوان «گواهی به مثابه منبع تولید معرفت؛ مطالعه ای مقایسه ای درباب دیدگاه فرد گرایان و جامعه گرایان» (نظارتی زاده، ۱۳۹۲) نیز پژوهشی دیگر در باب معرفت‌شناسی گواهی است که با وجود نقاط مثبت آن، تفاوت‌ها و نقاط ضعفی دارد که پژوهش‌های بیشتری را در زمینه مورد بحث طلب می‌کند: اول اینکه تمرکز اصلی پایان‌نامه نظارت‌زاده بر یکی از مسائل فرعی رساله حاضر است: آیا گواهی منبع تولیدکننده معرفت است یا انتقال‌دهنده آن که یکی از سوالات فرعی رساله حاضر است. دوم اینکه با توجه به اینکه پایان‌نامه مربوط به دوره کارشناسی ارشد است، مجال پرداختن عمیق به دیدگاه لکی و فریکر را نداشته است؛ به صورتی که در میان آثار مراجعه شده تنها نام دو اثر از آثار فریکر به چشم می‌خورد و بازم تنها نام دو اثر از آثار جنیفر لکی دیده می‌شود. سوم اینکه این پایان‌نامه ارشد در مورد کاربری نظریات فریکر و لکی در مورد وجود خداوند بحثی را مطرح نکرده است.

۱،۵ جدیدبودن و نوآوری پژوهش

با وجود طرح بحث‌های فراوان درباره‌ی گواهی در معرفت‌شناسی گواهی در مغرب زمین، در ایران، کار علمی چندانی روی این موضوع انجام نشده است. در این پژوهش آراء دو معرفت‌شناس سرشناس این حوزه - یعنی الیزابت فریکر و جنیفر لکی - به طور مبسوط بررسی و تحلیل شده‌اند؛ کاری که قبل از این، با سبک و سیاق تحقیق حاضر صورت نگرفته است. کاربرد نظریه آن‌ها در مورد گواهی وجود خداوند بررسی شده است و برای رفع نواقص و کمبودهای نظریه منتخب (نظریه جنیفر لکی) برای این کاربرد کوشش شده است. در این پژوهش نشان داده‌ایم که بررسی مسئله صرفاً از منظر معرفت‌شناسی گواهی فردی که رویکرد غالب در معرفت‌شناسی گواهی است کافی نیست؛ در نتیجه، بحث‌های معرفت‌شناسی گواهی جمعی را نیز طرح کرده‌ایم.

۱،۶ هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی امکان کسب باور موجه به وجود خداوند از طریق گواهی در چارچوب شروط کسب باور موجه از طریق گواهی است. در این راستا، چند سوال کلیدی در حوزه معرفت‌شناسی گواهی پاسخ داده می‌شود (که در بخش سوالات پژوهش به آنها اشاره شد). به همین دلیل، چند هدف میانی دیگر نیز محقق می‌شوند. اول اینکه بحث‌های جدیدی در معرفت‌شناسی گواهی (مخصوصاً آراء فریکر و لکی) به جامعه علمی معرفت‌شناسان ایرانی معرفی می‌شود. دوم اینکه روشن می‌شود که آیا می‌توان از طریق گواهی باور به وجود خداوند را به نحو موجهی شکل داد یا نه؟ اگر پاسخ به این پرسش منفی است، موانع پیش‌رو کدام است؟

۱,۷ ضرورت پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، میزان قابل توجهی از باورهای ما از طریق گواهی شکل گرفته‌اند. اگر باورهای مبتنی بر گواهی تماماً ناموجه یا نامعقول قلمداد شوند، دچار شکاکیت گسترده‌ای می‌شویم. برای اثبات عقلانیت یا توجیه آنها ضروری است نظریه‌ای درباب توجیه این دسته از باورها ارائه شود. در مغرب زمین، نظریاتی در این باب ارائه شده است که بررسی نظریات شاخص آنها (مثلاً فریکر و لکی به دلایلی که در بخش «قلمرو موضوع» اشاره شده است) می‌تواند در ارائه دیدگاهی قابل قبول در این حوزه مفید باشد. از سوی دیگر، منشاء باورهای دینی فراوانی گواهی است. به همین دلیل، در دست داشتن نظریه‌ای در باب توجیه این دسته از باورها حایز اهمیت فراوان است. نظریه توجیه باورهای مبتنی بر گواهی که محدود به حوزه خاصی (اعم از دینی، علمی و اخلاقی) نیستند می‌تواند در این راستا الهام بخش باشد. آیا می‌توان از نظریه‌ای که در حوزه باورهای عمومی (غیر محدود به حوزه‌ای خاص) است در توجیه باورهای دینی نیز استفاده کرد؟ و اگر می‌توان، چگونگی این کار بست نیاز به بررسی دارد که این پژوهش آن را به عهده دارد. خلاء بزرگی که در فضای فلسفی کشور در این حوزه از معرفت‌شناسی وجود دارد، ضرورت پرداختن به آن را دو چندان می‌کند. انجام این تحقیق، گام‌هایی آغازین در راستای طرح بحث‌های پیرامون معرفت‌شناسی اجتماعی، مخصوصاً معرفت‌شناسی گواهی، در حوزه معرفت‌شناسی کشور و به کارگیری معرفت‌شناسی گواهی در حوزه فلسفه دین است.

۱,۸ قلمرو پژوهش

این تحقیق برای پرهیز از گزارش‌گونگی از میان موضوعات فراوان و اقوال فراوانی که در حوزه معرفت‌شناسی گواهی صورت گرفته است، بر توجیه باورهای مبتنی بر گواهی و کاربست آن در مورد محوری‌ترین باور ادیان ابراهیمی یعنی باور به وجود خداوند، به عنوان گام اول برای طرح بحث‌های تفصیلی در مورد وضعیت معرفتی باورهای دینی دیگر که مبتنی بر گواهی هستند، متمرکز شده است؛^۱ زیرا باورهای دینی مختلف متناسب با

^۱ ممکن است این سوال پیش آید که با وجود اینکه باور به وجود خداوند اصلی‌ترین باور دینی است، اما گواهی به لحاظ کاربردی بیشتر در موضوعات دیگر مانند تشخیص نبوت خاص، معاد و مانند این کاربرد دارد که به لحاظ روشی چندان جای عقل و استقلال نیست؛ اما وجود خداوند به عنوان بحث عقلی تلقی شود و از ابتدا مسیر گواهی برای آن مناسب قلمداد نشود. در پاسخ به این سوال باید به چند نکته توجه داشت. نکته اول اینکه امروز با تخصصی شدن مباحث معرفت‌شناسی و فلسفه و دور شدن آن از ادبیات عامه و آموزش‌های عمومی انتظار آگاهی از این مطالب برای یک فرد غیر معرفت‌شناس و فیلسوف انتظاری ممکن ولی دشوار یاب برای فرد غیرمتخصص است. در نتیجه، باب کسب باور از طریق گواهی در موضوعات بسیار مهم و تخصصی مانند وجود خداوند بیش از گذشته باز شده است. بعلاوه ناامیدی از به کارگیری براهین و استدلال‌های عقلی صرف به نفع وجود خداوند، برخی را بر آن داشته است که از استدلال‌هایی که مثلاً از تجربه دینی استفاده می‌کنند، بهره ببرند. بحث اصل گواهی جایگاه مهمی در این دست از استدلال‌ها دارد. اما در آثار افرادی مانند

ویژگی‌هایی که دارند، بحث‌های مستقلی را طلب می‌کنند. در نتیجه، نباید تصور کرد که وضعیت معرفتی همه این باورها مشابه است. حتی اگر در مورد برخی باورهای دینی به نتایج مشابهی برسیم، این نتایج ممکن است بر آمده از مقدمات متفاوتی باشند. به عنوان مثال، «خدا وجود دارد» و «خوردن شراب ممنوع است» دو باور دینی هستند که برای بررسی وضعیت معرفتی آن‌ها باید بحث‌های معرفتی متفاوتی را طرح کرد. به عنوان مثال، در مورد گزاره دوم این سوال مطرح است که آیا این گزاره را باید به صورت انشائی (شراب نخورید) فهمید یا اخباری (شراب خوردن حرام است). در صورتی که در مورد گزاره اول این مسئله مطرح نیست. در مورد گزاره دوم، از منظر یک گزاره دینی، تنها پیامبران که، بر اساس نگاه اسلامی، پیام‌رسان خداوند هستند می‌توانند گواهی‌دهنده باشند؛ اما در مورد گزاره اول، دست کم هفت گروه می‌توانند گواهی‌دهنده باشند: پیامبر، صاحب تجربه دینی، متخصص، جمعی از پیامبران، جمعی از صاحبان تجارب دینی، جمعی از متخصصان و جمع قابل توجهی از مردم عادی. در بررسی گزاره اول، وقتی از گواهی پیامبر، از جهت پیامبری، صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم بر ویژگی «از طرف خدا بودن» او در وصف پیامبری تکیه کنیم، زیرا مصادره به مطلوب است؛ اما در مورد، گزاره دوم این ویژگی نقش کلیدی بازی می‌کند. با توجه به این ملاحظات و ملاحظات متعدد دیگر، بررسی همه این باورهای دینی در یک پژوهش منجر به بروز سطحی‌نگری در تحقیق می‌شد.

در بخش توجیه باورهای مبتنی بر گواهی بر آرای الیزابت فریگر و جنیفر لکی تمرکز شده است که دو تن از نظریه‌پردازان شاخص در این حوزه هستند. دلیل انتخاب دو معرفت‌شناس از میان سایر معرفت‌شناسان، میزان فعالیت تخصصی زیاد آنها و میزان بالای ارجاعات معرفت‌شناسان دیگر به آثار ایشان در حوزه گواهی است. هر دو معرفت‌شناس یادشده، به دلیل زمان زیادی که در این حوزه قلم می‌زنند، به نوعی پختگی در دیدگاه خود رسیده‌اند. بعلاوه، جنیفر لکی در مقاله معرفت‌شناسی گواهی و باور دینی^۱ (Jennifer Lackey, 2017) -از به کارگیری نظریه خود در حوزه باورهای دینی صحبت می‌کند و الیزابت فریگر نیز در مقاله گواهی و خودمختاری معرفتی^۲ (Fricker, 2006b) بر اساس نظریه خود از امکان کسب باورهای موجه اخلاقی و زیبایی‌شناختی از طریق گواهی دفاع می‌کند. در ادامه، زندگی علمی فریگر و لکی را به اختصار معرفی کرده‌ایم.

آلستون، بندل، دیویس و سوئین‌برن از این بحث خیلی اجمالی صحبت شده است. در نتیجه، پرداختن به این بحث همچنان در اولویت است. هر چند در پژوهش‌های آتی مناسب است بحث‌های معرفت‌شناختی پیرامون گواهی در موضوعاتی که در ابتدای این پاورقی اشاره شد صورت گیرد.

^۱ Epistemology of Testimony and Religious belief

^۲ Testimony and Epistemic Autonomy

۱,۹ معرفی الیزابت فریکر

الیزابت فریکر^۱ زمانی وارد این حوزه پژوهشی می‌شود که چندان مورد توجه معرفت‌شناسان نیست. او از رساله دکتری خود با عنوان «معرفت و زبان» در سال ۱۹۸۶ (Fricker, 1986) در دانشگاه آکسفورد دفاع کرد. او در این رساله به دنبال طرح دیدگاهی نو در توجیه مبتنی بر گواهی است که روح حاکم بر آن عقل سلیم^۲ است. تمرکز اصلی فریکر از آن زمان تاکنون همچنان بر روی معرفت‌شناسی گواهی بوده است. او اکنون یکی از اساتید دانشگاه محل تحصیل خود است. از آنجا که فریکر تنها مسئله اصیل معرفت‌شناسی گواهی را مسئله شرایط توجیه یا استحقاق کسب باور از طریق گواهی می‌داند (Fricker, 1994, p. 128)، تقریباً تمام آثار او مستقیم یا غیرمستقیم به این مسئله مربوط می‌شوند. از میان مقالات متعددی که در این حوزه نگارش کرده است، مقالات زیر مهمترین مقالات او هستند:

معرفت‌شناسی گواهی (Fricker & Cooper, 1987): هدف اصلی فریکر در این مقاله دفاع از این ادعاست که «ملاحظات مربوط به مورد گواهی، به طور خاص، تصویر توجیه‌گرایانه^۳ از معرفت را پشتیبانی می‌کند.» ویژگی این مقاله این است که سر خط بسیاری از ایده‌های اصلی فریکر در این مقاله به نحو بنیادین معرفی می‌شود. روح حاکم بر نظریه او یعنی عقل سلیم و رویکرد زبانی فریکر به مسئله گواهی در این مقاله مشهود است.

علیه ساده‌لوحی (Fricker, 1994): هدف اصلی فریکر در این مقاله نقد رویکرد معرفت‌شناسی مانند گدی^۴ به مسئله توجیه مبتنی بر گواهی است. بر اساس دیدگاه گدی تشکیل باور بر اساس گواهی بدون ارزیابی انتقادی صداقت و صلاحیت گوینده موجه است؛ مگر اینکه شنونده از قرینه ناقضی آگاه باشد.

گواهی و خودمختاری معرفتی (Fricker, 2006b): هدف اصلی فریکر در این مقاله، بررسی رابطه پذیرش گواهی و خودمختاری معرفتی است. او در این مقاله تعاریف مختلفی از خودمختاری معرفتی را طرح می‌کند و نشان می‌دهد که پذیرش گواهی با معنای قابل قبول از خودمختاری معرفتی در تعارض نیست.

^۱ Elizabeth Fricker

^۲ Common sense

^۳ Justificationist

این اصطلاح فریکر را در بخش دانش‌های زمینه‌ای فصل مربوط به او معرفی کرده‌ایم.

^۴ Cecil Anthony John Coady

معرفت دست دوم (Fricker, 2006a): ویژگی اصلی این مقاله توصیف فرآیند گواهی بر اساس کنش گفتاری گفتن^۱ و استخراج نتایج معرفت‌شناسانه بر اساس آن است. بر اساس تحلیل فریکر از فرآیند گواهی سرشت معرفت مبتنی بر گواهی بیشتر آشکار می‌شود و جایگاه اعتماد در گواهی مشخص می‌شود.

میان معرفت‌شناسان، فریکر به عنوان یکی از مدافعان اصلی تحویل‌گرایی^۲ در معرفت‌شناسی گواهی شهره است.

۱،۱۰ معرفی جنیفر لکی

جنیفر لکی^۳ در سال ۲۰۰۰ از رساله خود با عنوان «عقلانیت، مبطل‌ها و گواهی» (Lackey Reed, 2000) در دانشگاه براون^۴ با راهنمایی ارنست سوسا^۵ دفاع کرد. از نظر لکی دو مسئله در معرفت‌شناسی گواهی از سایر مسائل مهم‌تر هستند. اول اینکه آیا گواهی صرفاً انتقال‌دهنده معرفت از گوینده به شنونده است یا می‌تواند مولد معرفت نیز باشد؟ و دوم اینکه آیا توجیه یا معرفت مبتنی بر گواهی قابل تحویل به سایر منابع توجیه یا معرفت است یا نه؟ (Jennifer Lackey, 2011, p. 316) بر این اساس، لکی در آثارش توجه ویژه‌ای به این دو مسئله دارد و پاسخ نویی را به هر دوی آنها می‌دهد. او فرد پرکار و خوش‌فکری است که در هر سه حوزه اصلی معرفت‌شناسی اجتماعی^۶ یعنی معرفت‌شناسی گواهی، معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر^۷ و معرفت جمعی^۸ صاحب‌نظر است.

او اولین مقاله مرتبط با معرفت‌شناسی گواهی را در سال ۱۹۹۹ (Jennifer Lackey, 1999) می‌نویسد و در سال ۲۰۰۵ بواسطه مقاله‌ای با عنوان «آموختن از کلمات» در کنفرانس معرفت‌شناسی راتگرز (Jeniffer Lackey, vide.:)

^۱ Speech act of telling

^۲ Reductionism

البته در فصل مربوط به فریکر نشان خواهیم داد که در واقع دیدگاه او ترکیبی از تحویل‌گرایی و غیرتحویل‌گرایی است. برای آگاهی از معنای تحویل‌گرایی و غیرتحویل‌گرایی به بخش اصطلاحات مهم تحقیق رجوع کنید.

^۳ Jeniffer Lackey

^۴ Brown University

^۵ Ernest Sosa

^۶ Social Epistemology

^۷ Epistemology of Disagreement

^۸ Collective Knowledge

2006) برنده جایزه معرفت‌شناس جوان می‌شود. در ۲۰۰۸ کتابی با همین عنوان نوشت که مشتمل بر مهمترین مقالاتی بود که تا آن روز درباره معرفت‌شناسی گواهی نگاشته بود. البته در برخی موارد اصلاحاتی بر روی مقالات قدیمی خود انجام داده است و برخی فصول را به صورت دست اول نوشته است. (Jennifer Lackey, 2008, preface) نکته حایز اهمیت این است که با توجه به اینکه او از دوران دانشجویی تا زمان چاپ این کتاب به طور جدی درگیر بحث معرفت‌شناسی گواهی بوده است، دیدگاهی نسبتاً پخته و منسجم را در این کتاب مطرح کرده است. در واقع باید کتاب «یادگیری از کلمات» (2008) را مهمترین اثر لکی در حوزه معرفت‌شناسی گواهی دانست.

این کتاب مشتمل بر هشت فصل، یک مقدمه و یک پیوست است. فصل‌ها بر اساس تقدم و تاخر معرفتی تنظیم شده‌اند. رویه لکی در طرح موضوعات اغلب به این صورت است که ابتدا دیدگاه‌های اصلی در موضوع مورد بحث را بیان می‌کند و بعد با اصلاحاتی که در مورد هر کدام انجام می‌دهد دیدگاه مقبول خود را بیان می‌کند. در این کتاب هم همین رویه دنبال شده است. لکی در فصل اول دو دیدگاه اصلی در مورد سرشت گواهی را بررسی می‌کند و نهایتاً دیدگاه خودش را که رویکرد انفصالی^۱ می‌نامد معرفی می‌کند. در فصل دوم، رویکرد غالب به گواهی را که رویکرد باورمحور می‌نامد^۲ نقد می‌کند و در فصل سوم، رویکرد جمله‌محور را معرفی می‌کند و از آن در مقابل انتقادات دفاع می‌کند. در فصل چهارم یکی از اصولی معرفت‌شناختی که مخالفان دیدگاه جمله‌محور به آن متوسل می‌شوند را بررسی و نقد می‌کند و اصل جایگزینی را برای آن معرفی می‌کند. تا این بخش از کتاب محوریت بحث با سرشت گواهی است. از فصل پنجم تا هفتم مسئله محوری، توجیه مبتنی بر گواهی است. در فصل پنجم دو رویکرد اصلی در مسئله توجیه یعنی تحویل‌گرایی و غیرتحویل‌گرایی را بررسی می‌کند و در پی این بررسی برای هر کدام از آن‌ها اصلاحاتی را پیشنهاد می‌کند. در فصل ششم دیدگاه مقبول خود را که دوگانه‌انگاری^۳ می‌نامد معرفی می‌کند و در مقابل انتقادات پیش روی این نظریه از آن دفاع می‌کند. یکی از این انتقادات به مسئله معرفت در کودکان مربوط است. از آنجا که پاسخ لکی به مشکل معرفت در کودکان تفصیل زیادی دارد، فصل هفتم را به آن اختصاص می‌دهد. در فصل پایانی، یکی از رویکردهای کمتر رایج نسبت به سرشت گواهی توجیه مبتنی بر آن را که رویکرد بین‌فردی^۴ است طرح و نقد می‌کند. برخی برای ردّ این آموزه که گواهی مولد معرفت است، به شباهت گواهی و حافظه متوسل می‌شوند. لکی در پیوست کتاب خود، وارد

^۱ disjunctive

^۲ در فصلی که دیدگاه لکی بررسی می‌شود این اصطلاحات معرفی شده‌اند.

^۳ Dualism

^۴ interpersonal

معرفت‌شناسی حافظه^۱ می‌شود و برای مولد معرفت‌بودن حافظه استدلال می‌کند که این مسیر حمله مخالفان خود را نیز مسدود کند.

۱،۱۱ روش پژوهش

با بررسی دیدگاه فریگر و لکی تقریباً می‌توان ادعاهای اصلی دو جریان اصلی معرفت‌شناسی گواهی یعنی تحویل‌گرایی و غیرتحویل‌گرایی را مرور کرد. ما در این پژوهش کوشش کرده‌ایم با مراجعه به آثار این دو معرفت‌شناس به نگاهی جامع نسبت به مسئله گواهی در چارچوب معرفت‌شناسی معاصر دست یابیم. تا بتوانیم به نحو مناسبی مسئله اصلی این پژوهش را بررسی کنیم. در این رستا، آراء پراکنده فریگر در موضوع توجیه مبتنی بر گواهی در قالب یک ساماندهی منسجم ارائه شده است و تعارضات ظاهری آراء او به نحو مستدل رفع شد. در مورد جنیفر لکی، از این جهت، با دشواری کمتری مواجه بودیم. با این حال، هر دو نظریه با مشکلاتی در به‌کارگیری در موضوع گواهی وجود خداوند مواجه بودند. برای رسیدن به بهترین نتیجه از محسنات هر دو نظریه بهره بردیم و تا حد امکان معایب آن‌ها را برطرف کردیم. در این رستا، روشن شد که با اکتفا به معرفت‌شناسی گواهی فردی نمی‌توان مسئله را به نحو قابل‌قبولی بررسی کرد. در نتیجه، از مباحث گواهی جمعی نیز بهره بردیم. در نهایت، الگویی مرکب از معرفت‌شناسی گواهی فردی و جمعی پیشنهاد کردیم که در قالب آن آشکار می‌شود که در چه صورت می‌توان باور به وجود خداوند را از طریق گواهی موجه کرد و موانع دستیابی به این هدف کدامند.

۱،۱۲ منطق حاکم بر فصل‌بندی

متن حاضر، بجز کلیات که در همین فصل (فصل اول) ارائه شده است، سه فصل دیگر را در بر می‌گیرد. در فصل دوم دیدگاه الیزابت فریگر در مسئله گواهی تحلیل شده است. دیدگاه او رویکردی درون‌گرایانه^۲ و انسجام‌گرایانه^۳ به بحث دارد که مرکب از تحویل‌گرایی و غیرتحویل‌گرایی است و بر اساس نظریه عقل سلیم سامان یافته است. در فصل سوم دیدگاه جنیفر لکی در مسئله گواهی بررسی شده است. دیدگاه او رویکردی

^۱ Epistemology of Memory

^۲ internalism

^۳ Coherentism

مرکب از درون‌گرایی و برون‌گرایی^۱ به بحث دارد که مبنای‌گرایانه^۲ است. نظریه لکی نیز مرکب از تحویل‌گرایی و غیرتحویل‌گرایی^۳ است. در این دو فصل تلاش کردیم برای بررسی مسئله اصلی رساله به عنوان پیش‌نیاز به این چهار مسئله پاسخ دهیم. اول اینکه دیدگاه فریکر و لکی درباره توجیه مبتنی بر گواهی فارغ از موضوع باور چیست. دوم اینکه نقدهای کلیدی ناظر به هر کدام از این نظریات کدام است. به این منظور برخی نقدهای کلیدی را پس از معرفی نظریه هر کدام از آن‌ها و پیش از به کارگیری در خصوص گواهی وجود خداوند بیان کرده‌ایم. زیرا، آگاهی از نقدها در به کارگیری نظریات موثر است. سومین مسئله‌ای که در فصول دوم و سوم به آن پرداخته‌ایم، کاربرت نظریات فریکر و لکی در خصوص گواهی وجود خداوند است. به این منظور، ابتدا بخش‌هایی از نظریه آن‌ها را که به موضوع باور، به طور کلی، حساس هستند شناسایی کرده‌ایم؛ سپس، نتیجه به کارگیری در خصوص گواهی وجود خداوند را بررسی کرده‌ایم. در این مرحله، برخی نقاط قوت و ضعف جدید در دیدگاه این دو معرفت‌شناس آشکار شد. به عنوان مثال، مسئله اختلاف نظر میان متخصصانی که درباره وجود خداوند سخن می‌گویند، ضرورت ورود به بحث گواهی جمعی را آشکار کرد؛ اما فریکر در موضوع گواهی جمعی نظریه‌پردازی نکرده است. مسئله چهارمی که پایان بخش این دو فصل است، طرح همین نقاط ضعف جدید است. بر اساس نقدهایی که به نظریه عمومی (فارغ از موضوع باور) فریکر و لکی و به کاربرد نظریه آن‌ها در خصوص گواهی وجود خداوند وارد است، آشکار شد که نظریه لکی هم فارغ از موضوع باور هم برای به کارگیری برای گواهی وجود خداوند وضعیت مناسب‌تری دارد؛ البته این نتیجه، باعث نشد که نظریه فریکر را به کلی کنار بگذاریم. در فصل چهارم با توجه به بررسی‌هایی که در فصول دوم و سوم انجام دادیم کوشیدیم با استفاده از نقاط قوت نظریات فریکر و لکی همراه با اصلاحاتی و اضافاتی که برای رفع نقاط ضعف آن‌ها صورت دادیم الگویی را برای تعیین وضعیت معرفتی باور مبتنی بر گواهی به وجود خداوند پیشنهاد کنیم.

۱،۱۳ اصطلاحات مهم پژوهش

در این بخش، برخی اصطلاحات کلیدی که در این تحقیق، فراوان استفاده شده‌اند و استفاده عمومی داشته‌اند، معرفی شده‌اند. در همان حال، اصطلاحاتی که خاص نظریه یکی از دو متفکر مورد بحث - یعنی فریکر و لکی - بوده‌اند، در ابتدای مبحث هر کدام از آنها معرفی شده است.

^۱ externalism

^۲ foundationalism

^۳ Non-reductionism